

معرفی مضمونی کتاب «نورالعین فی الممشی الی زیارة الحسین (علیه السلام)»

حسین ریحانی

چکیده

آیت‌الله محمدحسن اصطهباناتی از علمای تحصیل کرده در نجف و صاحب کتاب ارزشمند نورالعین فی ممشی الی زیارة القبر الحسین (علیه السلام) است. ایشان از علمای معاصر است که از سال‌ها پیش در مدرسه مروی صاحب کرسی فقه است. اثر گرانسنگ او در ۲۵۶ باب با موضوعاتی چون: کیفیت و آداب زیارت امام حسین (علیه السلام) ثواب زیارت امام حسین (علیه السلام) و مقایسه آن با عبادت‌های دیگر، معادل‌سازی برای این زیارت و نکاتی در باب هزینه سفر زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) به زبان عربی تألیف شده است. نویسنده کتاب، افزون بر بحارالانوار علامه مجلسی، از دیگر منابع شیعه و اهل سنت بهره جسته است. چندین ترجمه از این کتاب به فارسی موجود است. این مقاله پس از معرفی اجمالی کتاب، ۲۳ روایت از روایات آن را آورده و سپس به شش پرسش از پرسش‌هایی که در این کتاب پاسخ داده شده همراه با پاسخ آنها اشاره کرده است.

واژگان کلیدی: محمدحسن اصطهباناتی، نورالعین فی ممشی الی زیارة القبر الحسین (علیه السلام) امام حسین (علیه السلام) علمای شیعه.

مقدمه

این کتاب در ۲۵۶ باب تنظیم شده است. ابواب کتاب به طور کلی شامل موضوعات ذیل است:

۱. کیفیت زیارت امام حسین علیه السلام؛
الف) پیاده یا سواره
ب) در حال ترس، فقر و حبس
 ۲. آداب زیارت امام حسین علیه السلام؛
 ۳. ثواب زیارت امام حسین علیه السلام از لحظه نیت سفر تا لحظه بازگشت به خانه
 ۴. مقایسه زیارت امام حسین علیه السلام با عبادات دیگر؛
 ۵. معادل سازی برای زیارت امام حسین علیه السلام
الف) با اشخاص دیگر، مثل زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله
ب) با اعمال دیگر، مثل حج و عمره
 ۶. مواهب دنیوی و اخروی زیارت حسین علیه السلام؛
 ۷. نکاتی در باب هزینه سفر برای زیارت حسین علیه السلام؛
- این کتاب نوشته شیخ محمد اصطهباناتی است که در ۵۶۸ صفحه توسط انتشارات دارالمیزان در بیروت، در سال ۱۴۱۶ قمری به چاپ اول رسیده است. چند نکته درباره این اثر لازم به یادآوری است:

۱. برای توضیح روایات، به بیانات مرحوم مجلسی در بحارالانوار اکتفا نشده و از منابع دیگر نیز بهره گرفته شده است.
۲. در برخی موارد، به منابع اهل سنت نیز استشهاد شده است.
۳. بخش اول مقاله بیان چند نمونه از روایات کتاب، همراه با احتمالات معنایی آنهاست و بخش دوم به پاسخ چند پرسش می‌پردازد که البته به طور پراکنده نیز در کتاب طرح و پاسخ داده شده است.

بخش اول: روایات

روایت اول

از معاویه بن وهب نقل شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: «لَا تَدْعُهُ لِحَوْفٍ مِنْ أَحَدٍ رَأَى مِنْ الْحَسْرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانِ بَيْدَهُ»؛^۱ زیارت حسین علیه السلام را به خاطر ترس از هیچ کس ترک مکن؛ زیرا هر کس به خاطر ترس او را ترک کند، حسرت خواهد خورد که:

تعبیر «مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانِ بَيْدَهُ» یکی از این چند معنا را دارد:

۱. آرزو می‌کند که حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که یقین دارد در حال مُردن است و قبرش را نیز با دست خود کنده است؛ یعنی با این که می‌داند در حال مرگ است، آرزوی زیارت حسین علیه السلام را دارد.
۲. یا به این معناست که با خروج از منزل برای زیارت حسین علیه السلام، جانش را به خطر اندازد و خود سبب قتل خود را فراهم کند.
۳. یا به این معناست که پس از مرگ آرزو می‌کند که به اختیار خود از قبر بیرون بیاید و به زیارت حسین علیه السلام مشرف شود.
۴. یا به این معناست که آرزو دارد ای کاش قبرش نزد قبر حسین علیه السلام باشد؛ یعنی ضمیر در «بیده» راجع به حسین علیه السلام و ضمیر در قبری راجع به زائر است.
۵. یا به این معناست که آرزو دارد قبر حسین علیه السلام نزد او باشد تا هر لحظه که اراده کرد، به زیارت ایشان نائل شود؛ یعنی ضمیر در «قبره» به حسین علیه السلام و ضمیر در «بیده» به زائر بازمی‌گردد.^۲
۶. یا به این معناست که ای کاش نزد قبر حسین علیه السلام سکونت گزیده بودم و زندگی می‌کردم و به زیارت او می‌رفتم و قبرم نزدیک قبر حسین علیه السلام باشد.^۳

روایت دوم

حسین بن ابی حمزه می گوید:

در اواخر دوره بنی امیه از خانه بیرون آمدم و به سوی قبر حسین علیه السلام حرکت کردم و به غاضریه رسیدم. وقتی مردم خوابیدند، شبانه غسل کردم و به سوی قبر مطهر حرکت کردم. ناگهان با مردی زیباچهره و خوش بو روبه رو شدم. مرد گفت: برگرد؛ تو به هدفت نمی رسی. پس به طرف ساحل فرات باز گشتم و همان جا چادر زدم. نصف شب دوباره غسل کردم و به سوی قبر شریف حسین علیه السلام حرکت کردم. وقتی به قبر مطهر نزدیک شدم، آن مرد دوباره ظاهر شد و گفت: ای مرد! تو نمی رسی. گفتم: چرا به پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سرور جوانان اهل بهشت نرسم؟! در حالی که پیاده از کوفه آمدم و امشب شب جمعه است و می ترسم صبح شود و مأمورین بنی امیه مرا بگیرند و بکشند. مرد باز هم گفت: برگرد، تو نمی رسی! گفتم: چرا نرسم؟! گفت: امشب موسی بن عمران از خدایش خواسته تا به زیارت قبر حسین علیه السلام بیاید و خداوند درخواستش را اجابت کرده و اکنون همراه هفتاد فرشته مشغول زیارت هستند. پس برو و آن گاه که به آسمان برگشتند و بالا رفتند، بیا. من نیز باز گشتم و هنگام طلوع فجر غسل کردم و به کنار مرقد حسین علیه السلام رفتم و کسی را آن جا ندیدم. من نیز نماز صبح را خواندم و به کوفه باز گشتم.^۴

بسیاری از فقها معتقدند که سفر برای زیارت امام حسین علیه السلام حتی با وجود ترس و ضرر جایز است. حتی از روایت استفاده می شود که این سفر با وجود ترس بر جان هم جایز است، چه رسد به ضرر مالی یا جراحت. چون در روایت فوق نیز وقتی راوی می گوید: بر جانم می ترسم، آن شخص در مقابل این اظهار ترس چیزی نمی گوید.

سیره اصحاب در عهد ائمه نیز به ضمیمه تقریر ائمه، مؤید همین امر است. نصّ برخی روایات نیز همین مطلب را تأیید می کند.^۵

روایت سوم

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «هرگاه خواستی به زیارت حسین علیه السلام برو و او را زیارت کن، در حالی که غمگین و غبار آلود و گرسنه و تشنه هستی؛ چون حسین علیه السلام در حالی که غمگین و غبار آلود و گرسنه و تشنه بود، گشته شد؛ پس خواسته ات را بخواه و باز گرد.»

سپس حضرت در ادامه می‌فرماید: «وَلَا تَتَّخِذْهُ وَطَنًا».^۶

عبارت «وَلَا تَتَّخِذْهُ وَطَنًا» یکی از این چند معنا را دارد:

۱. زیارت را طول مده تا نسبت به امام قلبت قسی نشود و شأن امام در نظرت پایین نیاید و شوق زیارت در درونت زنده بماند.

۲. رعایت شرایط تقیه را بنما و آن‌جا نما و بازگرد (همان‌طور که در بیشتر دوران‌ها شرایط تقیه حاکم بوده است).

۳. برای رعایت احترام و ادب، کمتر در ساحت امام علیه السلام توقف کن. شخص مقیم چه بسا غالباً در رعایت آداب مسامحه می‌کند و شوق و اشتیاقش به واسطه مکث طولانی پیش امام کم می‌شود.

۴. شاید مراد از «اتخاذ وطن»، توقف نزد قبر شریف باشد، نه حوالی و اطراف آن.^۷

این روایت و امثال آن، منافاتی با استحباب اسکان یافتن در سرزمین کربلا ندارد.^۸

روایت چهارم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یکی از محبوب‌ترین عبادات نزد خدا زیارت قبر حسین علیه السلام است.^۹

وقتی انفاس و ارواح قدسی انبیاء و ائمه علیهم السلام از بدن‌های شریفشان جدا شده و به عالم بالا می‌رود، در نهایت سیطره و تسلط بر این عالم قرار می‌گیرد و امور این عالم نزد ایشان کاملاً روشن و هویداست و هیچ چیز بر ایشان مخفی نیست و می‌توانند بر این عالم تأثیر و تصرف داشته باشند. آنان به احوال هر کس که در مقابر ایشان حاضر می‌شود، آگاهند و گاهی در مراقد خویش حاضر می‌شوند. آنان زنده‌اند و نزد پروردگار روزی می‌خورند و به آنچه خداوند به ایشان تفضل فرموده، راضی‌اند. برکات تضرع و توسل ایشان نزد پروردگار، بر زائریشان باریدن می‌گیرد. آنان برای زائرین قبورشان طلب مغفرت می‌کنند و بر آورده شدن حاجاتشان را از خداوند درخواست می‌کنند.

سرّ زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام همین است و این جدا از فوایدی است که بر خود زیارت این بزرگان مترتب است. زیارت این معصومین علیهم السلام به منزله احسان به ایشان و لبیک گفتن به دعوت آنان است. همچنین موجب سرور و شادی آنها شده و در ضمن، به

منزله تجدید پیمان و زنده نگه داشتن یاد این بزرگواران است. ثواب چنین کاری را فقط خدا می‌داند و کمتر عبادتی است که این قدر فضیلت و ثواب داشته و موجب نزدیکی به خداوند شود. زیارت مؤمن، به سبب ایمانش و بدون در نظر گرفتن شئون دیگر مثل شهید، عالم، امام و نبی، ثواب بسیار دارد. پس این ارزش نسبت به مؤمنانی که عصمت دارند، چگونه می‌تواند باشد؟! کسانی که خداوند اراده فرموده تا آنان را پاک گرداند و حجت و امام بر همه خلق قرار داده و به یمن وجود مبارکش آن آسمان و زمین آفریده شده است.^{۱۰}

می‌گویند شاگردان ارسطو (معلم اول) که هم موحد بود و هم حکیم، پس از مرگش هر گاه که مشکلی علمی پیدا می‌کردند، نزد قبر او آمده و درباره آن مسئله مباحثه می‌کردند و آن مشکل و گره علمی باز می‌شد.^{۱۱}

شافعی می‌گوید: «قبر [امام] موسی کاظم مکانی مجرب برای اجابت دعاست».^{۱۲}
امام محمد غزالی می‌نویسد: «کسی که در زمان حیاتش از او استمداد بشود، بعد از فوتش هم می‌توان از او امداد خواست».^{۱۳}

روایت پنجم

از زید شحام نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که حسین را در عاشورا زیارت کند، مثل این است که خدا را در بالای عرش زیارت کرده است».^{۱۴}
زیارت خدا در عرش، به معنای دیدن ذات پروردگار نیست و معانی دیگری دارد؛ از جمله:

۱. به این معناست که در عرش به عبادت خدا مشغول است.
۲. یا به این معناست که در عرش با انبیاء و اولیاء و اوصیاء دیدار داشته؛ چون زیارت اینان همانند زیارت خداست.

۳. یا به این معناست که به این درجه از تقرب پروردگار رسیده است.^{۱۵}

۴. شیخ صدوق در امالی می‌نویسد:

تعبیر «كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ» تشبیه نیست؛ چون ملائکه می‌توانند به عرش رفته و اطراف آن بچرخند و تعبیر زیارت خدا در عرش، تعبیر حقیقی و درستی است؛ همان‌طور که مردم می‌گویند: به زیارت خانه خدا می‌رویم.^{۱۶}

۵. عرش عبارت است از گروهی از مخلوقات که رتبه‌بندی ایشان را خداوند انجام داده و آن را برتر از سایر مخلوقات قرار داده است؛ پس گویا زیارت این مخلوقات خاص، زیارت خداست و این موقعیت به حسب قهر و غلبه است.^{۱۷}

۶. روشن است که مراد از زیارت خدا در بالای عرش، کنایه از رسیدن به نهایت درجه کمال است.^{۱۸}

۷. در پایان راه سیر و سلوک، نزد اهل معرفت، آخرین مرحله، فنا در ذات خداست که نشان دهنده کمال مقام عبد در عبودیتش است؛ به طوری که با چشم خدا می‌بیند و با گوش خدا می‌شنود و اراده‌اش اراده خداست و با اکرام او اکرام خداست و زیارت او زیارت خداست. مثل خطابی که خداوند به یکی از پیامبرانش داشت که «مریض شدم، به عیادت نیامدی.» وقتی آن پیامبر توضیح خواست، خداوند فرمود: «بنده مؤمن من مریض بود و تو به عیادتش نرفتی.» یعنی خداوند مریض مؤمن را به خودش نسبت می‌دهد؛ یا درباره پیامبر ﷺ می‌فرماید: ﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾.^{۱۹}

با این توضیح روشن می‌شود که منظور از زیارت خدا در عرش چیست؛ چون حسین ﷺ فانی در خدا شد.^{۲۰}

۸. تعبیر «كَمَنَّ زَارَ اللَّهُ فِي عَرْشِهِ» کنایه و مجاز است از کثرت ثواب در احترام به حضرت.^{۲۱}

۹. حسین ﷺ از ابتدا می‌دانست که چه باید انجام دهد و چه اتفاقی می‌افتد و چقدر مصیبت باید تحمل کند؛ پس قلبش از غیر الله خالی گشت و شد خانه خدا؛ بنابراین، زیارت حسین ﷺ زیارت خداست.^{۲۲}

تعبیر «كَانَ كَمَنَّ زَارَ اللَّهُ» تشبیه نیست؛ چون ملائکه می‌توانند به عرش رفته و اطراف آن بچرخند و تعبیر زیارت خدا در عرش، تعبیر حقیقی و درستی است؛ همان‌طور که مردم می‌گویند: به زیارت خانه خدا می‌رویم.

روایت ششم

امام صادق علیه السلام به نقل جویریة بن علاء می فرماید: «هر کسی که دوست دارد خداوند در روز قیامت به وی نگاه کند، بسیار به زیارت حسین علیه السلام برود».^{۲۳}
نظر پروردگار عبارت است از نهایت آنچه درباره مخلوق نسبت به ترقی درجه و رتبه تصور می شود.^{۲۴}

روایت هفتم

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس به زیارت حسین علیه السلام بیاید، در حالی که معرفتش را دارد، خداوند نامش را در اعلی علین ثبت می کند».^{۲۵}
در معنای ثبت شدن نام زائر در اعلی علین، چند احتمال است:
۱. از کسانی خواهد بود که در بالاترین غرفه های بهشت اسکان داده می شود.
۲. نامش در اعلی علین نوشته می شود که او از اهل بهشت است.^{۲۶}

روایت هشتم

امام صادق علیه السلام می فرماید: جدم حسین علیه السلام فرمود: هر کسی بعد از وفاتم به زیارتم بیاید، من در قیامت به دیدارش می روم. سپس فرمود: «وَلَوْ لَمْ يَكُنِ الْآلُ فِي النَّارِ لَأَخْرَجْتُهُ».^{۲۷}
۱. در تعبیر امام از «لو» شرطیه استفاده شده که همان «لو» امتناعیه است و دلالت بر امتناع شرط دارد؛^{۲۸} یعنی محال است که زائرش داخل آتش شود.^{۲۹}
۲) دیدار حضرت حسین علیه السلام از زائرش ممکن است بلافاصله پس از مرگ زائر باشد و ممکن است پس از گذاشتن پیکرش در قبر باشد.^{۳۰}

روایت نهم

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند، نزد خدا به صدیق و نزد ملائکه به عنوان کروییین شناخته می شود».^{۳۱}
(کروییین به بزرگان و سروران فرشتگان گفته می شود).^{۳۲}

روایت دهم

داود رقی از امام صادق و موسی بن جعفر و امام رضا علیه السلام نقل می کند که فرموده اند: «مَنْ آتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بِعَرَفَةَ قَلْبَهُ اللَّهُ تَعَالَى تَلَجَ الصَّدْرَ».^{۳۳}

در تعبیر «قَلْبَهُ اللهُ تَعَالَى تَلَجُ الصِّدْر» چند احتمال است:

۱. به این معناست که قلبش مطمئن می‌شود و شک در آن راه نمی‌یابد.

۲. به این معناست که خدا غم و غصه را از قلبش خارج می‌کند و دلش خُنک می‌شود.

۳. به این معناست که پس از این که هول قیامت از او دور شد، از محشر به بهشت می‌رود.

۴. در برخی نسخه‌ها به جای «تَلَجُ الصِّدْر»، «أَبْلَجُ الْوَجْه» آمده است یعنی چهره‌های شان باز و خندان است.^{۳۴}

روایت یازدهم

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

«هر کس به زیارت قبر حسین علیه السلام بیاید، نسبت به هر آنچه پشت سرش گذاشته و پیش رو دارد حفظ می‌شود».^{۳۵}

خداوند واجبات و مستحبات را به منزله خوراکی مفید و مکروهات و محرمات را به منزله خوراکی مضر قرار داده است. پس هر کاری که انسان انجام می‌دهد، اثری بر آن مترتب است؛ مثل این که انسان نوشیدنی خنک می‌خورد تا خنک شود، مشروط به این که همزمان نوشیدنی داغ ننوشد.

زیارت حضرت حسین علیه السلام اجل را به تأخیر می‌اندازد و رزق را زیاد می‌کند، اما مشروط به ترک کاری که موجب نقصان عمر یا محرومیت از رزق باشد.

این امر درباره ادعیه و اعمال خاصی که اثراتی برای شان گفته شده نیز مطرح می‌شود.^{۳۶}

زیارت حضرت حسین علیه السلام اجل را به تأخیر می‌اندازد و رزق را زیاد می‌کند، اما مشروط به ترک کاری که موجب نقصان عمر یا محرومیت از رزق باشد.

این امر درباره ادعیه و اعمال خاصی که اثراتی برای شان گفته شده نیز مطرح می‌شود.

روایت دوازدهم

صفوان جمال می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا شما به زیارت حسین علیه السلام می روید؟ فرمود: «آری، چگونه او را زیارت نکنم، در حالی که خداوند هر شب جمعه به زیارت او می آید، آن هم به همراه ملائکه و انبیاء و اوصیاء و محمد صلی الله علیه و آله که افضل انبیاست.» صفوان می گوید: به حضرت عرض کردم: پس هر شب جمعه به زیارت حسین علیه السلام می روید تا به زیارت پروردگار نائل آید! فرمود: آری ای صفوان! ^{۳۷}

زیارت خدا از حسین علیه السلام کنایه از فرو فرستادن رحمت خاص خدا بر حسین علیه السلام و زائرانش است. ^{۳۸}

روایت سیزدهم

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «مدتی که زائر در زیارت حسین علیه السلام است، از عمرش به حساب نمی آید.» ^{۳۹}

در معنای «جزو عمر محسوب نشدن»، چند احتمال وجود دارد:

۱. احتمال دارد مخصوص به اجل هایی باشد که به اذن خدا کمی و زیادی در آن راه دارد، نه اجلی که حتمی شده؛ چون چه بسا زائری بمیرد، پیش از آن که از زیارت برگردد و این همان اجل محتوم است. ^{۴۰}

۲. یا به این معناست که نعمت هایی که در مدت زیارت، زائر از آن بهره برده، به پیش نوشته نمی شود و گناهایی که در این مدت مرتکب شده، در نامه اعمالش ثبت نمی شود. پس وقتی از نعمتی حساب کشیده نشود و بر گناهی عقابی نباشد، مثل این است که آن مدت، بخشی از عمر انسان نبوده و حساب نشدن از عمر، یک تعبیر کنایی است.

۳. یا به این معناست که به هر مقداری که زائر برای زیارت حسین علیه السلام وقت گذاشته، خداوند بر عمرش می افزاید تا حسین علیه السلام مدیون عمر از دست رفته او نباشد و به تعداد روزهایی که از خانواده و کسب و کار دور بوده، از عمرش کم نشده باشد.

روایات بسیاری موافق این احتمال وجود دارد؛ مثل روایتی که در تهذیب از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «ای شیعیان ما! به زیارت حسین علیه السلام بروید که زیارتش روزی را زیاد می کند و بر عمر می افزاید و اتفاقات بد را دور می کند.»

۴. یا به این معناست که از روزها در قیامت سؤال نمی‌شود و چگونگی مصرفش مورد محاسبه قرار نمی‌گیرد.^{۴۱}

روایت چهاردهم

محمد بن ابی نصر بزنطی می‌گوید: از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام درباره فضیلت نیمه رجب و شعبان پرسیدم. حضرت فرمود: «ثواب و اجر آن نهایت و حد ندارد».^{۴۲}

۱. شیخ مفید می‌گوید: از زیارت‌های مخصوص امام حسین علیه السلام زیارت نیمه رجب است که «غفیله» نامیده شده است.^{۴۳} مجلسی می‌نویسد: به آن غفیله می‌گویند، چون عموم مردم از آن غافلند و از برکات آن محروم می‌شوند.^{۴۴}

۲. در اقبال آمده است: از این که در روایت، زیارت رجب به زیارت شعبان اضافه شده، می‌توان غفلت از زیارت رجب را در شعبان جبران کرد.^{۴۵}

روایت پانزدهم

هارون بن خارجه از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که هر گاه نیمه شعبان فرا می‌رسد، منادی از افق بالا صدا می‌زند: «ای زائرین قبر حسین علیه السلام باز گردید، در حالی که بخشیده شدید و ثواب شما با خدا و محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبرتان است».^{۴۶}

یعنی ثواب را خداوند یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تفضل می‌کنند و این مهم را به ملائکه واگذار نمی‌کنند؛ چون شخص کریم اگر کاری را به او واگذار کرد، نگران است که ایشان در آن کار مسامحه کنند؛ اما وقتی خودش انجام دهد، با کرمش رفتار می‌کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم که بر امتش شفقت دارد.^{۴۷}



ثواب را خداوند یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تفضل می‌کنند و این مهم را به ملائکه واگذار نمی‌کنند؛ چون شخص کریم اگر کاری را به او واگذار کرد، نگران است که ایشان در آن کار مسامحه کنند؛ اما وقتی خودش انجام دهد، با کرمش رفتار می‌کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هم که بر امتش شفقت دارد.

روایت شانزدهم

از یونس به یعقوب نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود: ای یونس! اگر به مردم بگویم چه اجر و ثوابی برای زیارت حسین علیه السلام در نیمه شعبان نهفته است، «لَقَامَت ذُكُور الرِّجَالِ عَلَى الخَشَبِ»^{۴۸}.

۱. تعبیر «لَقَامَت ذُكُور الرِّجَالِ عَلَى الخَشَبِ» شاید به این معنا باشد که اگر مردان هم پای آمدن نداشته باشند، با پای چوبین می آمدند.^{۴۹}
۲. احتمال دیگر این است که می گویند: ای کاش بر چوب ها به صلیب کشیده می شدیم، آن هم به خاطر کار بزرگی که کرده اند.^{۵۰}

روایت هفدهم

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «روز عرفه خداوند برای زوار حسین علیه السلام ظاهر شده و به ایشان می فرماید: عمل را از سر بگیرید که بخشیده شدید و سپس به اهل و زائرین سرزمین عرفات می نگردد»^{۵۱}.

مراد از «ظاهر شدن خدا»، تجلی خدا با مظاهر جمال و جلالش است. همان طور که در جریان حضرت موسی علیه السلام و قومش، بر کوهی تجلی کرد و آن کوه متلاشی شد؛ اما آن تجلی، جلوه قهر و غلبه بود که کوه متلاشی شد و حضرت موسی بیهوش گردید، ولی این تجلی برای زوار حسین علیه السلام تجلی لطف و عطف است.^{۵۲}

روایت هجدهم

بشیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من موفق به حج امسال نشدم؛ آیا روز عرفه به سوی قبر حسین علیه السلام بروم؟

حضرت فرمود: «احسنت ای بشیر! هر کس روز عرفه در حالی که عارف به حق است، به زیارت حسین علیه السلام برود، خداوند برایش هزار حج و هزار عمره مقبول می نویسد و هزار جهاد با رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام عادل برایش ثبت می شود»^{۵۳}.

علت فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام بر حج و عمره و جهاد با رسول خدا این است که زیارت ایشان در حقیقت احسانی است از جانب زائر به خود امام حسین علیه السلام و جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و پدرش امیر مؤمنان علیه السلام و مادرش حضرت فاطمه علیه السلام و برادرش امام حسن مجتبی علیه السلام و همه

فرزندان و شیعیانشان و دوست‌دارانشان و بلکه احسانی است به همه پیامبران و اوصیا و خشنود کردن همه ایشان و اجابتی است به دعوتشان و تجدید پیمانی است با اولیای خدا. از سوی دیگر زیارت حسین علیه السلام سبب زنده ماندن دین و سرخورده شدن دشمنان می‌شود. همه این اسرار در زیارت امام حسین علیه السلام وجود دارد و تک تک این اسرار، عبادتی است مستقل و سبب خشنودی پروردگار.

اما در حج و عمره و جهاد، هر چند انفاق اموال و جان‌ها و بدن‌ها و چشیدن طعم تلخ غربت و تحمل مشقت‌هاست، اما ثواب آن مانند زیارت حسین علیه السلام نیست؛ چرا که این امور صرفاً عبادت خداست و هر کس که مدعی اسلام است، آن را انجام می‌دهد؛ هر چند ناصبی باشد، اما زیارت حسین علیه السلام را کسی انجام می‌دهد که قدر ائمه را هر چند ناقص بشناسد.^{۵۴}

روایت نوزدهم

معاویه بن عمّار نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام پارچه‌ای زرد رنگ داشت که در آن مقداری تربت حسین علیه السلام بود و هنگام نماز آن را بر روی سجاده‌اش می‌ریخت و بر آن سجده می‌کرد و گاه می‌فرمود: سجده بر تربت حسین علیه السلام حجاب‌های هفت گانه را برمی‌دارد.^{۵۵}

در معنای «برداشتن حجاب‌های هفت گانه» چند احتمال است:

۱. درب‌های آسمان‌های هفت گانه باز می‌شود و نماز و دعای زائر به آسانی بالا می‌رود.

۲. مراد از حجاب‌های هفت گانه، گناهان هفت گانه‌ای است که مانع قبولی اعمال می‌شود.^{۵۶}



مراد از حجاب‌های هفت گانه، ردایل هفت گانه‌ای است که مانع خلوص نفس می‌شود و با زیارت حضرت حسین علیه السلام به هفت فضیلت تبدیل می‌گردد؛ یعنی کینه و حسد و حرص و خشم و حماقت و نیرنگ و حقارت، به حکمت و غبطه و بردباری و شفقت و کیاست و حیا و محبت مبدل می‌شود.

۳. مراد از حجاب‌های هفته‌گانه، رذایل هفت‌گانه‌ای است که مانع خلوص نفس می‌شود و با زیارت حضرت حسین علیه السلام به هفت فضیلت تبدیل می‌گردد؛ یعنی کینه و حسد و حرص و خشم و حماقت و نیرنگ و حقارت، به حکمت و غبطه و بردباری و شفقت و کیاست و حیا و محبت مبدل می‌شود. صاحب وسائل نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام برای تذلل و اظهار بندگی بیشتر در برابر خدا، فقط بر تربت حسین علیه السلام سجده می‌کرد.^{۵۷}

روایت بیستم

مسئب از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «زمانی که پیکرم را به مقابر قریش بردید (نام قدیم منطقه کاظمین) و مرا به خاک سپردید، از تربت قبرم برای تبرک بردارید؛ چون تبرک به هر تربتی ممنوع است، مگر تربت جدّم حسین علیه السلام. به درستی که خداوند آن را مایه شفای شیعیان و دوستان ما قرار داده است.^{۵۸} علمای امامیه بر حرمت خوردن خاکی غیر از خاک قبر حسین علیه السلام اجماع دارند، که البته آن هم آداب مخصوصی دارد و به مقدار معینی هم هست که کمتر از یک نخود است.^{۵۹} تربتی که گرفته می‌شود، هر چه به قبر مطهر نزدیک‌تر باشد، بهتر است. هنگام برداشتن تربت از قبر مطهر، باید به حداقل اکتفا کرد و خرید و فروش تربت حسین علیه السلام برای کسی که خاکی را حیازت کرده، جایز است.^{۶۰}

روایت بیست‌ویکم

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در چهار مکان قصر واجب نیست: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و حائر حسینی».^{۶۱} در باب قصر نماز در حدّ حائر اختلاف است:

۱. آنچه دیوارهای صحن آن را در بر می‌گیرد، همه حجره‌ها و مسجد و شبستان؛
۲. فقط زیر قبه منوره حرم حسینی؛
۳. علاوه بر حجره‌ها و شبستان، خزانه و اطراف حرم را هم در بر می‌گیرد.^{۶۲}

روایت بیست‌ودوم

صفوان جمّال نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام پیش از زیارت مرقد امام حسین علیه السلام غسل می‌کرد، ولی پس از زیارت، خیر.^{۶۳}

دلیل این امر، باقی ماندن غبار شریف مرقد ابا عبدالله علیه السلام بر روی بدن و لباس بوده است.^{۶۴}

روایت بیست و سوم

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس پیش از روز جمعه، از مکه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حائر حسین علیه السلام بیرون برود، ملائکه ندا می دهند: کجا می روی؟! خدا تو را برنگرداند!»^{۶۵}
احتمالاً مراد از این تهدید، کراهت خروج نزدیک جمعه و صبر نکردن برای درک زیارت شب جمعه و روز جمعه است. و احتمال دارد که کراهت خروج پیش از نماز جمعه، منظور باشد؛ از این رو اگر هر دو را به جای آورد، بهتر است.^{۶۶}

بخش دوم: پرسش‌ها

پرسش اول

چطور زیارت حسین علیه السلام که عملی مستحبی است، از همه عبادات واجب و مستحب برتر شمرده شده است؟^{۶۷}
پاسخ: اشکالی ندارد یک عمل مستحبی، برتر از عمل واجب باشد؛ مثل ابتدای به سلام که مستحب است و ثوابش چند برابر جواب سلام است که واجب می باشد.

پرسش دوم

چرا ثواب‌هایی که برای زیارت حضرت حسین علیه السلام نقل شده، متفاوت است؟
پاسخ: این اختلاف در میزان ثواب، به اختلاف چند شرط بازمی‌گردد؛ مثل مقدار مسافت، راحتی یا سختی مسافت، سواره یا پیاده بودن، در حال ترس یا فقر بودن، در حال فراغ یا غنا بودن، معرفت و شناخت زائر یا غنا بودن، معرفت و شناخت زائر به امام حسین علیه السلام و حقانیتش، میزان تقوای زائر، خلوص نیت و درجات آن و...^{۶۸}

اختلاف در میزان ثواب، به اختلاف چند شرط بازمی‌گردد؛ مثل مقدار مسافت، راحتی یا سختی مسافت، سواره یا پیاده بودن، در حال ترس یا فقر بودن، در حال فراغ یا غنا بودن، معرفت و شناخت زائر، به امام حسین علیه السلام و حقانیتش، میزان تقوای زائر، خلوص نیت و درجات آن و...

پرسش سوم

چرا عزاداری برای امام حسین علیه السلام در دهه اول محرم گرفته می‌شود، اما از عاشورا به بعد کم‌رنگ می‌شود؟ این عزاداری چرا هر سال تکرار می‌شود؟

پاسخ: چون در دهه اول، حالت ترس از آنچه در عاشورا روی می‌دهد، وجود دارد؛ اما با به شهادت رسیدن حضرت و اصحابش عنوان آیه ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ صدق می‌کند و از غم و غصه شیعه اندکی کاسته می‌شود. علت تکرار عزاداری در هر سال نیز شکوه بردن به پیشگاه حضرت احدیت است تا انتقام خون حسین علیه السلام را بستاند. از طرفی امام حسین علیه السلام و اصحابش در دهه اول محرم سال ۶۱ در اضطراب و سختی قرار گرفتند و شیعیان برای هم‌دردی و هم‌دلی با ایشان، هر سال چنین حالتی به خود می‌گیرند.^{۶۹}

پرسش چهارم

علت استحباب زیارت حضرت حسین علیه السلام در «اربعین» چیست؟

پاسخ: علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌نویسد:

مشهور میان فقها و محدثین این است که علت این استحباب، بازگشت حرم حسین علیه السلام در این روز به کربلاست. برخی نیز علت استحباب را زیارت جابرین عبدالله انصاری در چنین روزی می‌دانند. او اولین زائر اربعین حسینی بود و لذا تاسی به ایشان مستحب است.^{۷۰}

پرسش پنجم

علت التزام شیعه به تبرک و استشفای و سجود با تربت حسینی چیست؟

پاسخ: علاوه بر فضیلت‌هایی که در روایات مطرح شده، یادآوری فداکاری‌های حضرت حسین علیه السلام در راه خدا و قربانی شدنش در راه عقیده و مبارزه با ستم است. با گذاشتن پیشانی بر تربت حسینی، انسان به یاد لحظه گذاشتن صورت حسین علیه السلام روی خاک می‌افتد و احساس تقرب به خدا و ائمه علیهم السلام بیشتر می‌شود.^{۷۱}

اولین باری که از خاک قبر یک شهید به عنوان محل سجده و ساخت تسبیح استفاده شد، تبرک به خاک قبر حمزه سیدالشهداء علیه السلام بود و حضرت فاطمه علیه السلام اولین معصومی بود که چنین کرد. پس از شهادت حضرت حسین علیه السلام، حضرت زین العابدین علیه السلام پیکر چاک چاک ایشان را دفن کردند، اما پیش از پوشاندن قبر، مشتی خاک از زیر بدن امام حسین علیه السلام برداشتند

و آن را در پارچه‌ای نهادند و از آن مهر و تسبیحی ساختند. ایشان روایتی از رسول خدا ﷺ نقل فرموده که پیامبر فرمود: هر کس تسبیحی همراه داشته باشد و دعای مخصوصی را بخواند، ثواب «سبحان الله» برایش ثبت می‌شود، هر چند تسبیح نگوید.

امام سجاده علیه السلام پس از بازگشت از شام به مدینه الرسول نیز به آن تربت تبرک می‌جست و بر آن سجده می‌کرد و بیماری اعضای خانواده را با آن مداوا می‌فرمود. امام باقر و امام صادق علیهما السلام نیز چنین سیره‌ای داشتند. حمیری در نامه‌ای به حضرت مهدی علیه السلام نوشت که آیا بر خشتی که از تربت حسین علیه السلام ساخته شده، سجده صحیح است؟ حضرت پاسخ دادند: آری، فضیلت هم دارد. حمیری درباره تسبیح نیز همین سؤال را کردند و امام همین پاسخ را فرمودند.^{۷۲}

پرسش نهم

چرا در بیان ثواب زیارت حسین علیه السلام غالباً حج و عمره را ذکر کرده‌اند؛ از یک عمره یا یک حج تا دو میلیون حج و عمره مقبول؟!

پاسخ: چون میان حضرت حسین علیه السلام و حج و عمره رابطه‌ای خاص وجود دارد و حضرت نوعی خاص از حج را انجام دادند که پیش از ایشان و بعد از ایشان هیچ کس چنین حج و عمره‌ای را به‌جا نیاورده است. از ویژگی‌های این حج می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. امام حسین علیه السلام ۲۵ مرتبه پیاده به حج رفتند.^{۷۳}

۲. حسین علیه السلام حجی انجام داد با ۷۲ قربانی، و سر داد به جای تراشیدن سر، و میقاتی داشت به وسعت مقتلش، و نه تنها از

حسین علیه السلام حجی انجام داد با ۷۲ قربانی، و سر داد به جای تراشیدن سر، و میقاتی داشت به وسعت مقتلش، و نه تنها از همسر جدا شد و کناره گرفت، بلکه از همه خانواده جدا افتاد. وقفی داشت در منای کربلا به مدت سه شب بر روی خاک و سعی او با رأس مطهرش از کربلا تا شام و از شام به کربلا بود. در عصر عاشورا به جای بیرون آمدن از احرام، تمام لباس‌هایش را از تن به در آوردند و تلبیه‌ای داشت با این محتوا: «رضا بقضائک، صبراً علی بلائک».

همسر جدا شد و کناره گرفت، بلکه از همه خانواده جدا افتاد. وقوفی داشت در منای کربلا به مدت سه شب بر روی خاک و سعی او با رأس مطهرش از کربلا تا شام و از شام به کربلا بود. در عصر عاشورا به جای بیرون آمدن از احرام، لباس هایش را از تن به در آوردند و تلبیه‌ای داشت با این محتوا: «رضا بقضائک، صبراً علی بلائک» و این پاسخ را شنید: ﴿يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً * فَأَدْخِلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخِلِي جَنَّتِي﴾^{۷۴}

پی‌نوشت‌ها

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹.
۲. همان.
۳. شیخ جعفر شوشتری، الخصائص الحسينية، ص ۱۶۸.
۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۱.
۵. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۹.
۶. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۱۴؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۴۰.
۷. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۱۴۲.
۸. شیخ عبدالحسن مبارک، بشارة الزائرین، ص ۵۱.
۹. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۱.
۱۰. ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۱۹.
۱۱. سید ابوالحسن حسینی قزوینی، عقائد امامیه، ج ۱، ص ۱۷.
۱۲. محمد بن طلحه شافعی، المطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص ۷۵.
۱۳. ابوحامد غزالی، التعلیقہ فی فروع المذهب، ص ۷۱.
۱۴. ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۱۷۴؛ بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۵.
۱۵. بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۰.
۱۶. امالی صدوق، ص ۹۱.
۱۷. فیض کاشانی، وافی، ج ۸، ص ۱۹۵.
۱۸. الخصائص الحسينية، ص ۱۶۷.

١٩. انفال، آيه ١٧.
٢٠. عقائد اماميه، ج ١، ص ١٩.
٢١. محمد بن مكي عاملي (شهيد اول) الدروس الشرعيه في الفقه الاماميه، ص ١٥٤.
٢٢. الخصائص الحسينيه، ص ٢٢٣.
٢٤. كامل الزيارات، ص ١٤١.
٢٥. وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٢٤.
٢٦. محمد تقى مجلسي، روضة المتقين، ج ٥، ص ٣٨٤.
٢٧. شيخ مهدي مازندراني، معالي السبطين، ج ٢، ص ٧٨.
٢٨. ابن هشام انصاري، مغنى الاديب، حرف «لو».
٢٩. معالي السبطين، ج ٢، ص ٧٨.
٣٠. الخصائص الحسينيه، ص ١٥٢.
٣١. كامل الزيارات، ص ١٧٢.
٣٢. محمد بن يعقوب فيروز آبادي، قاموس المحيط، ج ١، ص ١٢٣، واژه «كرب».
٣٣. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٨٦.
٣٤. روضة المتقين، ج ٥، ص ٣٨١.
٣٥. وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٧٥؛ كامل الزيارات، ص ١٢٧.
٣٦. شيخ طوسي، مصباح الانوار، ج ٢، ص ٤٢٤.
٣٧. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٦٠.
٣٨. همان.
٣٩. همان، ص ٤٧.
٤٠. ملا مهدي نراقي، مشكات العلوم، ص ٢٥٤.
٤١. همان، ص ١٥٤.
٤٢. مستدرک الوسائل، ج ٢، ص ٢١٠.
٤٣. شيخ مفيد، المزار، ص ٥١.
٤٤. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٣٤٦.
٤٥. سيد بن طاووس، اقبال الاعمال، ج ٢، ص ٦٥٧.
٤٦. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٩٤.
٤٧. روضة المتقين، ج ٥، ص ٣٨٧.
٤٨. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٩٥.
٤٩. سيد نعمت الله جزائري، انوار نُعمانيه، ج ٤، ص ٢٩.

٥٠. اقبال الاعمال، ج ٢، ص ٧١١.
٥١. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٨٨.
٥٢. كامل الزيارات، ص ١٧١.
٥٣. امالي شيخ صدوق، ص ١٤٣.
٥٤. الوافي، ج ٨، ص ٢٢٤.
٥٥. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ١٣٥.
٥٦. الخصائص الحسينية، ص ٦٦.
٥٧. محمد حسين آل كاشف الغطاء، الارض و التربة الحسينية، ص ٤٢.
٥٨. مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٧٩.
٥٩. الارض و التربة الحسينية، ص ٤١.
٦٠. روضة المتقين، ج ٥، ص ٣٧٢.
٦١. مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٥٠٤.
٦٢. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ١١٧.
٦٣. همان، ص ١٤٣.
٦٤. علامه اميني، ادب الزائر، ص ٤٤.
٦٥. بحار الانوار، ج ١٠٠، ص ١٣٢؛ وسائل الشيعة، ج ١٠، ص ٤٢٦.
٦٦. ادب الزائر، ص ٢٠.
٦٧. كامل الزيارات، ص ١٤٦.
٦٨. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٤٤.
٦٩. اقبال الاعمال، ج ٢، ص ٥٨٤.
٧٠. بحار الانوار، ج ١٠١، ص ٣٣٤.
٧١. الارض و التربة الحسينية، ص ٤٥.
٧٢. قاضي نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ١١، ص ٣٩٥؛ مقتل خوارزمي، ج ١، ص ١٦٠.
٧٣. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ٤، ص ٦٩.
٧٤. الخصائص الحسينية، ص ٢٥٤.